

## امکان‌سنجی تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی

امیرحسین چیت‌سازیان<sup>۱</sup>، اصغر جوانی<sup>۲</sup>، ملیحه حیدری<sup>۳</sup>

۱- دانشیار دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر

۲- دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

۳- کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان، [maliheidari192@gmail.com](mailto:maliheidari192@gmail.com)

### چکیده

تخیل از جمله عناصر دخیل در پیدایش آثار هنری است که هر یک از هنرمندان به روشی خاص از آن کمک می‌گیرند. یکی از هنرمندانی که از این موهبت به نحو مناسبی استفاده کرده است، رضا عباسی است که پژوهشگران بسیاری در زمینه آثار وی به تحقیق پرداخته‌اند. اما خوانشی متفاوت، می‌تواند جنبه‌های دیگری از آثار او را آشکار کند. مطالعه تخیل در آثار رضا عباسی با استفاده از روش ژیلبر دوران، یکی از این روش‌هاست که تاکنون به آن پرداخته نشده است. در واقع این پرسش که آیا نظریه ژیلبر دوران در رابطه با تخیل قابل تعمیم در تحلیل آثار هنرمندان ایرانی هست یا نه؟ ذهن نگارندگان را درگیر کرد که بر این اساس به سراغ یکی از هنرمندان عصر صفوی رفتند. در این رابطه، تحقیق تحلیلی-توصیفی خود را با گردآوری اطلاعات به روش اسنادی آغاز نموده، پنج اثر از رضا عباسی را برای این ارزیابی انتخاب کرده‌اند. حاصل این تحقیق توسعه ای و ترویجی، نشانگر آن است که، این آثار در طبقه بندی‌های صورت گرفته در نظریه دوران جای می‌گیرند و ترس از زمان و مرگ و تلاش برای تسلط بر این ترس در این آثار دیده می‌شود. بنابراین تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی امکان‌پذیر است.

**واژگان کلیدی:** تخیل هنری، روش ژیلبر دوران، نمادهای تخیل، نگارگری ایرانی، رضا عباسی

### ۱- مقدمه

تخیل و خیال عناصری هستند که ذهن اندیشمندان را از گذشته تا به حال، به خود مشغول کرده‌اند. این موضوع، هم در تفکر غرب و هم در تفکر شرق مورد بحث فراوان بوده است. فلسفه غرب که دیدگاه مثبتی نسبت به تخیل نداشت، با شکست عقلانیت، این مبحث را در کانون توجه خود قرار داد. اندیشمندان جامعه شناس و به تبع آن انسان شناس به مطالعه فرایند تخیل و کارکرد آن در زندگی اجتماعی پرداختند. در این میان ژیلبر دوران (انسان شناس و منتقد ادبی) سهم بسزایی در بررسی تخیل و شکل‌گیری جامعه‌شناسی تخیل دارد. دوران کوشید تا تخیل را در مظاهر گوناگونش بررسی کند. در این زمینه تحت تأثیر هانری کربن با مبحث خیال فلاسفه اسلامی همچون ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا و ابن عربی آشنا شد که بر تفکرات وی بسیار مؤثر بود. خیال در انسان شناسی اسلامی، یکی از قوای پنج‌گانه باطنی است. این قوه از قوه حفظ صور و ترکیب و تفصیل آنها در آراء فارابی به تخیل فعال در فلسفه ملاصدرا تبدیل شد. مبانی فکری این فلاسفه بر هنرهای رایج آن

زمان تأثیر گذاشته و حکمت و وحدت در هنر اسلامی بویژه در هنر نگارگری متجلی شد. بر این اساس نگارگر ایرانی با نگاهی فلسفی - عرفانی به خلق اثر می‌پرداخت. از جمله این نگارگران رضا عباسی هنرمند برجسته دوره صفوی است که شیوه ای نو را بوجود آورد که نقاشی ایرانی را دگرگون ساخت. آثار رضا مفاهیم عمیقی از فلسفه تا طنز را در بر می‌گیرد. او با استفاده از این مفاهیم به بیان مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خود می‌پرداخت. با توجه به تأثیر فلاسفه اسلامی بر اندیشمندان غربی و رابطه مبحث تخیل در غرب و شرق (به ویژه ایران)، در این پژوهش به عنوان مطالعه ی وجهی از موضوع، به تحقیق در نظریه ژیلبر دوران، یکی از اندیشمندان غربی در باب تخیل از طریق امکان سنجی تعمیم آن در آثار یکی از چهره های برجسته هنری شرق پرداخته شده است. در واقع سؤال اصلی تحقیق این است که آیا تخیل در آثار رضا عباسی تنها بر اساس مبانی عرفان شرقی قابل بررسی است و یا می‌توان آثار او را به روش ژیلبر دوران در مبحث تخیل نیز با نگاهی نقادانه بررسی نمود؟ از سوی دیگر مطالعه شود که آیا آثار رضا عباسی در طبقه بندیهای صورت گرفته در نظریه دوران جای می‌گیرند یا نه؟ لذا نگارندگان در این پژوهش تلاش کرده اند با استفاده از روش ژیلبر دوران، بر عناصر و تصاویری از آثار رضا متمرکز شوند که کارکرد تخیل را در آثار وی نمایان می‌سازد. به این ترتیب عمدتاً هدف این پژوهش، بررسی صور خیالی زمان در تعدادی از آثار رضا عباسی است.

## ۲- پیشینه تحقیق

هر چند مبحث تخیل، مبحثی تازه نیست اما هنوز برای بسیاری موضوعی حاشیه ای و اغلب ناشناخته و شاید کم اهمیت باشد. به همین دلیل تعداد اندکی از علاقمندان و پژوهشگران به این مبحث پرداخته اند. بویژه بحث تخیل از منظر ژیلبر دوران (پایه گذار مرکز تحقیقات در خصوص امر تخیلی در گرونوبل فرانسه) که بسیاری از منابع مطالعاتی آن به زبانهای فرانسه است آن چنان که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است. در زمینه تخیل به روش ژیلبر دوران در ایران، تألیف چند مقاله با عنوان های:

- طبقه بندی و کاربرد عنصر تخیل بر سه تابلوی مجید مهرگان، رویکرد ژیلبر دوران، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۴)
- کارکرد تخیل نزد محمود فرشچیان، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۷).
- ترس از زمان نزد شخصیت های روایتی محمود دولت آبادی «مورد مطالعه: جای خالی سلوچ»، نویسنده: عبدالرسول شاکری و علی عباسی (۱۳۸۷)
- طبقه بندی تخیلات ادبی بر اساس نقد ادبی جدید (روش ژیلبر دوران و گاستون باشلار)، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۰)
- ترس از زمان نزد آبرت کامو، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۱)
- ترس از زمان نزد ویکتور هوگو، نویسنده: علی عباسی (۱۳۸۳)
- ترس از زمان نزد کلت، نویسنده: حنانه محسنا و علی عباسی (۱۳۹۱)

صورت گرفته است. در مقاله طبقه بندی و کاربرد عنصر تخیل بر سه تابلوی مجید مهرگان، رویکرد ژیلبر دوران، نگارنده پس از بررسی سه تابلو از مهرگان که به داستانهای شاهنامه پرداخته است، از مشخص کردن نظام تخیلی این سه تابلو نتیجه گرفته است که: تفکر دو قطبی اساس این سه تابلو را می‌سازد و هر سه تابلو مربوط به منظومه روزانه تخیلات می‌باشند. مقاله کارکرد تخیل نزد محمود فرشچیان به بررسی چند اثر از فرشچیان به روش ژیلبر دوران پرداخته است. در بین آثار بررسی شده، یک اثر در هیچ یک از منظومه های دوران قرار نگرفته و نگارنده نتیجه گرفته است که: می‌توان به طبقه بندی دوران ردیف دیگری اضافه کرد ولی در این مقاله نتوانسته طبقه بندی جدید را ارائه کند. در مقاله ترس از «زمان» نزد شخصیت های روایتی محمود دولت آبادی «مورد مطالعه: جای خالی سلوچ» سعی شده رابطه تصاویر ادبی با مفهوم زمان در ذهن نویسنده و شخصیت های رمان بررسی شود و نگارنده پس از مشخص کردن ساختار منظومه های تخیلات در داستان دولت آبادی، به نقد ژیلبر دوران پرداخته و در انتها نتیجه گرفته است که: هر اثر ادبی لزوماً اثری علیه پوسیدگی و مرگ آنگونه که ژیلبر دوران گفته نیست،

بلکه گاه می تواند بسته به شرایط ذهنی یا اجتماعی نویسنده اثری درباره مرگ باشد. در مقاله طبقه بندی تخیلات ادبی بر اساس نقد ادبی جدید (روش ژیلبر دوران) علی عباسی به معرفی طبقه بندی تخیلات از منظر ژیلبر دوران پرداخته است. مقالات ترس از زمان نزد آلبرت کامو و ترس از زمان نزد ویکتور هوگو، به زبان فرانسه و توسط علی عباسی نوشته شده است. در مقاله ترس از زمان نزد کلت، نگارنده به بررسی منظومه روزانه در چند اثر از نویسنده ای به نام کلت پرداخته است و ترس از زمان را در آثار این نویسنده با نمادهای ریخت حیوانی، تاریکی و سقوطی نشان داده است.

در زمینه تحلیل آثار رضا عباسی نیز، پژوهشگران بسیاری به تحقیق و پژوهش پرداخته اند. در این مورد، کتابهای بنیانهای مکتب نقاشی اصفهان اثر اصغر جوانی (تهران، انتشارات فرهنگستان هنر) و رضا عباسی اصلاحگر سرکش اثر شیلا کنبی (مترجم: یعقوب آژند. تهران: انتشارات متن)، به چاپ رسیده و مقالاتی نیز با عناوین زیر منتشر شده است:

- دوران شناسی آثار طراحی و نقاشی رضا عباسی (مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان)، نویسنده: اصغر جوانی (۱۳۸۵).

- تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آثار رضا عباسی با تأکید بر منابع عصر او. نویسنده: مریم رستم زاده و علی اصغر شیرازی (۱۳۹۰)

- رویکرد جامعه شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک نگاره ها)، نویسنده: سیده آیین فاضل و امیرحسین چیت سزایان (۱۳۹۱)

- بررسی ترکیب بندی در آثار پیکرنگاری رضا عباسی و دو نقاش قاجاری، مهرعلی و میرزابابا. نویسنده: رضا تهرانی (۱۳۸۸)

- رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی. نویسنده: مهناز شایسته فر (۱۳۸۲)

- رضا عباسی و رامبراند: دیدگاه ها و مقایسه آثار، نویسنده: محمد معمارزاده (۱۳۷۵)

در مقاله دوران شناسی آثار طراحی و نقاشی رضا عباسی، نگارنده به طبقه بندی و تحلیل آثار رضا عباسی بر اساس سه دوره زندگی هنری وی پرداخته و سپس به ارزیابی و تحلیل هویت رضا عباسی بر اساس شکلهای متفاوت رقمهای آثارش یعنی رضا، آقارضا و... می پردازد و در انتها نتیجه می گیرد که همگی این رقمها متعلق به رضا عباسی است که در دوره های مختلف هنری اش بنابر دلایل خاص تغییراتی کرده است. در مقاله تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آثار رضا عباسی با تأکید بر منابع عصر او، نگارنده سعی دارد تا بر اساس فراز و نشیبهای زندگی رضا عباسی و به استناد آثار باقی مانده اش به معرفی و تحلیل و طبقه بندی آثار طراحی و نقاشی او پردازد و در انتها نتیجه می گیرد که تحولات زندگی رضا بر آثار او نیز تأثیر گذاشته و نوآوری تکنیکی و تنوع مضامین و یکدستی سبک از مشخصات بارز تولیدات وی در بیست سال پایانی عمرش می باشد و شاگردان او نیز از آثار دوره پایانی وی تقلید و اقتباس کرده اند.

مقاله رویکرد جامعه شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک نگاره ها) به دسته بندی و تحلیل زندگی و هنر رضا و دلایل او برای ترک دربار و احتمال درستی و نادرستی این دلایل بر اساس نظرگاه جامعه شناسی هنر پرداخته است و نتیجه گرفته است که ارتباط و نزدیکی به ساحت اجتماع باعث شده که موضوعات و انسانهای روزمره به عنوان تک عنصر نگاره های رضا عباسی مطرح شوند. او با مهارتی که در کار خود داشت نوعی دیدگاه واقع گرایانه و تا حدی انتقادی از جامعه زمان خود عرضه داشته است. در مقاله بررسی ترکیب بندی در آثار پیکرنگاری رضا عباسی و دو نقاش قاجاری، مهرعلی و میرزابابا، نگارنده آثار پیکره دار رضا عباسی و آثاری از میرزا بابا و مهرعلی را مورد بررسی تطبیقی و تحلیلی قرار می دهد و در انتها نتیجه می گیرد که نگارگری ایرانی تحت تأثیر عناصر وارداتی اروپایی دچار تغییرات بنیادی شده، اما هنرمندان ایرانی با هم آمیزی سنت و عناصر جدید، سبک نویی را بنیانگذاری کرده اند.

مقاله رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی، نگارنده با مقایسه هر دو نقاش با یکدیگر نتیجه می گیرد که در آثار متأخر هر دو نقاش نشانه هایی از نزول معنا و مفهوم اصیل هنری و به بیانی رشد مفهومی ظاهری و مادی به چشم می

خورد. در مقاله رضا عباسی و رامبراند: دیدگاه‌ها و مقایسه آثار، نگارنده از ارزیابی و مقایسه آثار دو هنرمند نتیجه می‌گیرد که در کار هنرمند ایرانی، جهان ذهنی و کار هنرمند هلندی جهان مادی و زمینی وجود دارد. بنابراین ملاحظه می‌شود که تاکنون در زمینه موضوع این مقاله و یا نزدیک به آن کاری انجام نشده است. همین امر ضرورت پژوهش حاضر را توجیه می‌کند.

### ۳- مبانی نظری

انسان‌شناسی یکی از مهمترین شاخه‌های علوم انسانی است و جزء مهمترین علوم بشر بشمار می‌رود. اصطلاح انسان‌شناسی نخستین بار در کشورهای انگلیسی زبان در ابتدای قرن بیستم رایج شد. این اصطلاح بازگردان واژه anthropologie است، که از ریشه یونانی anthropos به معنی انسان گرفته شده است. «در فرانسه واژه مردم‌شناسی تا مدت‌ها معادلی برای واژه آنتروپولوژی بود. اما امروز گرایش بسیاری به جایگزینی مردم‌شناسی با انسان‌شناسی وجود دارد. واژه انسان‌شناسی تا مدت‌ها فقط به مفهوم انسان‌شناسی طبیعی، مطالعه ریخت‌شناسی نژادهای انسانی به کار می‌رفت. در نخستین دهه از نیمه دوم قرن بیستم، استروس واژه انسان‌شناسی را به معنایی که انگلیسی‌زبانان آن را به کار می‌بردند وارد زبان فرانسه کرد.

از نظر او انسان‌شناسی در آن واحد هم به معنای شناخت تألیفی از سازمان یافتگی جوامع باستانی و هم به صورتی عام‌تر به مفهوم مطالعه عمومی انسان بود.» (دورتیه، ۲۸، ۱۳۸۲) انسان‌شناسی گرایش‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، از جمله گرایش تخیل که به بررسی کارکرد تخیل در زندگی اجتماعی می‌پردازد. «کشف ناخودآگاه توسط روانشناسی، رشته‌ی جامعه‌شناسی و به تبع آن انسان‌شناسی را متوجه فرایند تخیل در زندگی اجتماعی کرد. حوادث تاریخی تلخ قرن بیستم نیز که از عقلانیت مدرن افسون زدایی می‌کرد به ظهور روح علمی جدیدی انجامید که با درک پیچیدگی اندیشه و حیات انسان، از علت‌مندی و تعیین‌گرایی‌های ساده‌ی قرن پیش می‌گذشت و به رویکردی پسا تجربی و جهشی معرفت‌شناسانه در علوم انسانی ختم می‌شد که کارکرد تخیل و شناخت آن، یکی از گرایش‌های اصلی این روح علمی جدید بود که به تحلیل عمل اجتماعی از خلال مطالعه‌ی اعتقادات و نمادها و احساسات مشترک جمعی می‌پرداخت و به نقش معرفتی عناصر نمادین در اندیشه‌ی عقلانی، اسطوره‌ای، ایدئولوژیک و دینی توجه نشان می‌داد.» (شریعتی، ۸۸، ۱۳۸۴) اندیشمندانی مانند: روژه باستید، فرناند دومون، شارل رایت میلز، گاستون باشلار، میرچا الیاده و ژیلبردوران، همگی در شکل‌گیری جامعه‌شناسی تخیل مؤثر بودند. این انسان-جامعه‌شناسی جدید بیش از هر چیز با نام ژیلبردوران، انسان‌شناس و منتقد ادبی پیوند می‌خورد. دوران تلاش کرد با استفاده از آثار اندیشمندان قبل از خود همچون سارتر، باشلار و لوی استروس (ساختارگرایی مردم‌شناس) و گرماس به بررسی تخیل بپردازد. در روش وی نمادها و اسطوره‌ها جایگاه خاصی دارند و از همین طریق به نقد و تفسیر آثار می‌پردازد.

### ۴- روش ژیلبردوران

در روش دوران، خوانش اسطوره‌ها اهمیت بسزایی دارد. از منظر وی اسطوره نظامی است متشکل از نمادها، کهن‌الگوها و محرکه‌ها. طبقه‌بندی نظام ژیلبردوران بر محرکه‌ها و ارتباط آن با گذر زمان و مرگ قرار دارد. وی محرکه‌ها را هدایت‌کننده سیستم‌های نمادین می‌داند. دوران تمامی تصاویر را طبقه‌بندی و سازمان‌دهی می‌کند و فهرستی تقریباً کامل و سازمان‌یافته از محرکه‌های ساختاری و کهن‌الگویی را ارائه می‌دهد و این طبقه‌بندی را به دو منظومه روزانه و شبانه تقسیم می‌کند. منظومه روزانه که بوسیله عکس‌العمل‌های وضعیتی هدایت می‌شود، خود به دو گروه از نمادها تقسیم می‌شود.

گروه اول (نمادهای منفی) تصاویر مرگ و ترس انسان از گذر زمان را بوسیله نمادهای ریخت حیوانی، ریخت سقوطی و ریخت تاریکی به نمایش می‌گذارند. «انسان بین ترس و زمان رابطه برقرار می‌کند و متوجه می‌شود که با گذر زمان، به طرف مرگ می‌رود پس می‌ترسد و در نتیجه یک سری تصاویر وحشت‌آور (نمادهای ریخت حیوانی، ریخت تاریکی و ریخت سقوطی) در تخیل و ذهن او ظاهر می‌شوند. بر این اساس او در وهله‌ی نخست اشکال حیوانی را متمایز می‌کند. این‌ها به بازنمایی‌های حیوانی از حشرات تا هیولاهای اساطیری مربوط هستند که توسط دو شمای پویا یعنی حرکت تهدید آمیز و نیش

کنترل می شوند. این اشکال مرتبط با گوشتخوارانی هستند که بشر به طور سنتی در پی شکار آنها بود (نمادهای ریخت حیوانی). در مرحله دوم، ترس از مرگ در تصاویر کائوتیک<sup>۲</sup> مجسم می شود.

گناه، ناپاکی و تهدید در دو شما گرد هم می آیند: کوری و عدم قطعیت ناشی از تاریکی و سقوط. (نمادهای ریخت سقوطی) او همچنین بر طبق آن منظومه ی نمادین، تمام تصاویر زنانگی تهدید کننده را مرتبط با آب های سیاه درک می کند که در آنها دوران هایی بی شفقت احیا کننده ی امواج و خون که مرگ و زندگی هستند، همزمان روی می دهد (نمادهای ریخت تاریکی) «(قائمیان، ۱۳۸۵: ۹) گروه دوم (نمادهای مثبت) که عملی جبرانی در برابر نمادهای گروه اول است و به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. این گروه شامل نمادهای عروج، نمادهای تماشایی و نمادهای جداکننده می شود.» بوسیله نمادهای عروج انسان به حکمرانی اورانی<sup>۳</sup> می رسد. تصاویر مربوط به تعالی، عروج، اوج، بال پرنده، فرشته، نره غول مربوط به این نمادها هستند. نمادهای تماشایی از انسان تماشایی درست می کنند.

این نمادها، نمادهای مربوط به نور و اندامهای نور را طبقه بندی می کنند: خورشید، چشم، کلام الهی یا حضرت مسیح. نمادهای جداکننده، نشان از قدرت و پاکی میدهند و به کمک شمشیر بران اسطوره ای، پاکی را از پلیدی متمایز می سازند. این نمادها نشان دهنده پیروزی و پیوستن به تعالی هستند که با نماد پیکان، شمشیر بران اسطوره ای، عصای سلطنتی و غیره مشخص شده اند. «(عباسی، ۱۳۹۰، ۸۵) منظومه شبانه نیز شامل عکس العملهای تغذیه ای و مقابله ای می شود و سعی در تلطیف کردن و وارونه کردن تصاویری دارد که تولید ترس می کنند تا به این وسیله بتواند به شکل تخیلی زمان را کنترل کند.» این منظومه بیشتر به آرامش، خواب، راحتی و استراحت متمایل است. منظومه شبانه ارزشهای حسی - عاطفی ای را که منظومه روزانه به تصاویر هنری و ادبی اختصاص می دهد، وارونه و تلطیف می کند.» (durand, 1992, 220)

## ۵- آثار رضا عباسی

رضا عباسی هنرمندی نابغه، متجدد و نوگرا است که با آثار خود توانایی هنری خود را به اثبات رسانده است. آثار رضا مفاهیم عمیقی از فلسفه تا طنز را در بر می گیرد. او با استفاده از این مفاهیم به بیان مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خود می پرداخت. شیوخ متفکر، کارگران، چوپانان، زنان دراز کشیده، موضوعات اروپایی، جوانان درباری که در ناز و نعمت زندگی می کنند، توسعه و تحول خط پرداز، روانی قلم، درهم آمیزی طراحی و نقاشی تا رنگ بندی پرمایه، ویژگیهایی هستند که سبک رضا عباسی را معرفی می کنند.

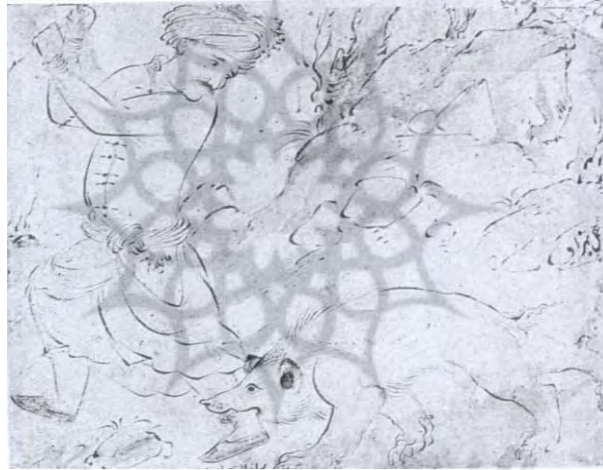
پژوهشگران بسیاری در زمینه آثار، سبک و زندگی رضا عباسی به تحقیق و پژوهش پرداخته اند و گوشه هایی از اندیشه و هنر او را معرفی کرده اند، از جمله آنتونی ولش که معتقد است: «رضای سالخورده در واقع به دو قطب متضاد گرایش داشت: از یک سو سبکی زمخت و خشن و از دیگر سو زندگانی پرناز و نعمت» (ولش، ۱۳۸۵، ۱۴۲) اما این پژوهشها معرف بخشی از اندیشه رضا عباسی است و خوانشی متفاوت، می تواند جنبه های دیگری از آثار او را آشکار کند. نگارندگان در این مقاله تلاش می کنند روش نقد ادبی ژیلبر دوران را در تحلیل ۵ اثر نگارگری رضا عباسی بکار برند.

### ۵-۱- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره حمله خرس به مرد (تصویر ۱)

گرچه در این نگاره امضای عمل بهزاد مشهود است اما شیلا کنبی آن را منسوب به رضا عباسی می داند و معتقد است که: «رضا در دوره نخستین زندگی هنری خویش نقش مایه هایی را از نقاشی های بهزاد تقلید کرده بود و حتی چند اثر از خود بهزاد را خط به خط تقلید کرد. رضا احتمالاً این کپی ها را برای آزمایش یا انضباط قدرت و توان طراحی اش انجام داده و برگهای تمرینی را پدید آورده که در آنها اصل بر خطوط کناره نمای بسته و سرسپردگی کامل به نمونه های اولیه است.» (کنبی، ۱۳۸۹، ۱۲۳) و بر این اساس نگارندگان این اثر را جزء آثار رضا عباسی دانسته و به تحلیل آن پرداخته اند. در این نگاره، اولین گروه از تصاویر منظومه روزانه یعنی نمادهای ریخت حیوانی دیده می شود. این نمادها خصوصیات منفی حیوانات

مانند: درندگی، وحشیگری، خشونت و حمله کردن را نشان می دهند. این خشونت نشانه هراس و ترس در مقابل زمان و مرگ است که به شکل تصاویر حیوانات یا موجودات ترسناک به نمایش در می آید. این تصاویر دو ویژگی زمان را نشان می دهند: «گذر و حرکت زمان، نبود کردن همه چیز از طریق زمان.» (عباسی، ۱۳۹۰، ۸۴)

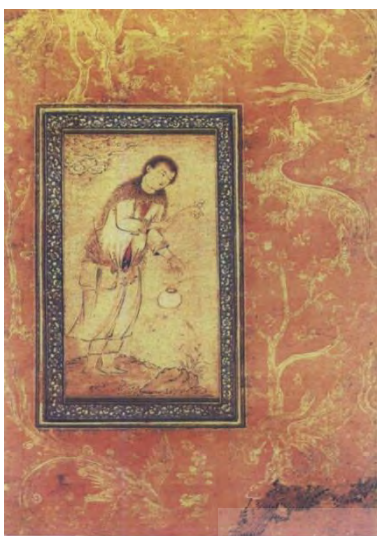
خرس نماد ریخت حیوانی است. توحش حیوان نشانه مرگ است و در این تصویر به صورت حمله خرس به مرد خود را نشان می دهد. حالت فرار نومیدانه مرد و فرورفتن آرواره خرس برپای او نشان از نماد ریخت سقوطی دارد. تصویر سقوط، سومین گروه از تصاویر منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است. این تصاویر، ناپایداری زندگی را به انسان یادآوری می کند. ژیلبر دوران معتقد است: سقوط به عنوان جوهر واقعی هر نیروی سیاهی جلوه می کند و باشلار حق دارد تا در محرکه سقوط استعاره ای اولیه و بدیهی را ببیند. این استعاره به نمادهای تاریکی و پریشانی وابسته است و ابعاد مخوف زمان را فشرده و خلاصه می کند و به ما زمان برق آسا و ناگهانی را می شناساند.» (محسنی، ۱۳۹۱، ۱۰) حضور این تصاویر در ناخودآگاه نقاش، نشان از ترس و اضطراب او دارد. تمام این عناصر این نگاره را جزء منظومه روزانه تخیلات با ارزشگذاری منفی قرار می دهد.



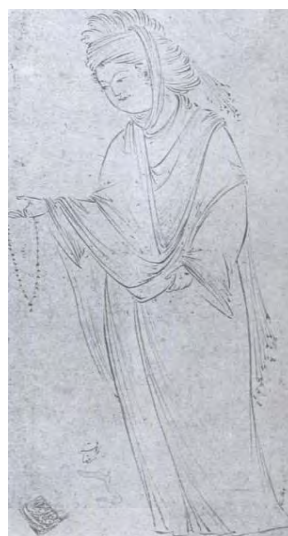
تصویر ۱- حمله خرس به مرد، رضا عباسی، ۱۰۰۰ ه.ق، (کنبی، ۱۳۸۹، ۵۴)

## ۵-۲- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره پیکره تسبیح به دست (تصویر ۲)

در این تصویر رضا عباسی بوسیله بازی نور و فضا و نوری که از انگشتان تابیده شده، بر عمل ذکر گفتن تأکید کرده است. از منظر ژیلبر دوران، شخص نماد عروج و تعالی است. این نمادها پیروزی و فتح قدرت اولیه انسان در آسمان را نشان می دهد. نور اطراف انگشتان نماد تماشایی است و تسبیح در این نگاره به عنوان نماد جداکننده عمل می کند. تسبیح وسیله ذکر گفتن است که شخص بوسیله آن نفس خود را پاک می کند تا به تعالی روحی برسد. در واقع تمام عملیات عروج و تعالی با روشهای جداسازی و پاک شدن همراه است. حضور این نمادها در ناخودآگاه فرد، به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. «در مقابل این ترس، ذهن بطور خودکار، عملی جبرانی انجام می دهد تا بتواند راه حل یا دارویی برای این ترس و اضطراب پیدا کند. این عمل جبرانی، خود را بوسیله تصاویر تخیلی نشان می دهد و این تصاویر، همان نمادها یا تصاویر با ارزشگذاری مثبت در ذهن انسان است.» (عباسی، ۱۳۸۹، ۸۳) مجموعه نمادهای مثبت در این نگاره، میل به بالا رفتن و گذر از شرایط انسانی را به تصویر می کشند. مجموعه این عناصر، این نگاره را جزء منظومه روزانه تخیلات با ارزشگذاری مثبت قرار می دهد.



تصویر ۳- درویش سر برهنه، رضا عباسی، ۱۰۰۸-۱۰۱۱ ه.ق،  
(کنبی، ۱۳۸۹، ۶۲)



تصویر ۲- پیکره تسبیح به دست، رضا عباسی، ۱۰۰۶ ه.ق  
(کنبی، ۱۳۸۹، ۵۷)

### ۵-۳- تحلیل منظومه روزانه و شبانه ژیلبر دوران در نگاره درویش سر برهنه (تصویر ۳)

این نگاره، به دو بخش تقسیم می شود. تصویر جوان درویش که در قاب قرار گرفته و تصاویر اطراف قاب که درگیری بین اژدها و پرنده ای با سر عقاب یا سیمرغ را نشان می دهد. تصویر درون قاب محیطی آرام و بدون اضطراب را به تصویر کشیده است. عناصر غالب در این تصویر، گیاه و کوزه ای است که در دست جوان قرار گرفته است. از منظر ژیلبر دوران، گیاه، چرخه و سیکل زندگی را نشان می دهد و کوزه نیز جز نمادهای خلوتگاه درونی است. به نظر ژیلبر دوران با داخل شدن در یک دنیای آرام و راحت، انسان سعی می کند خود را از چنگال زمان کشنده رها کند و تلاش می کند این زمان را با پناه بردن به درون چیزها یا محصورکننده ها کنترل کند و بدین طریق گذر زمان را فراموش کند. اما صحنه اطراف دقیقاً نقطه مقابل تصویر درون قاب است و درگیری اژدها و پرنده ای افسانه ای را نشان می دهد.

در تخیل نقاش ترس از زمان خود را با نمادهای ریخت حیوانی نشان داده است. رنگ گرم زمینه گرمای شدیدی را القاء کرده و در کنار توحش و خشونت نمادهای حیوانی، فضایی غیر قابل تحمل و مرگ آور را بوجود آورده است. ژیلبر دوران چنین فضاهایی را جز تصاویر کائوتیک قرار می دهد. عمل درگیر شدن و توحش نمادهای ریخت حیوانی، نشان دهنده حضور حیوانیت در ناخودآگاه نقاش است، که نشان از دغدغه ذهنی و اضطراب درون اوست. در حقیقت این نگاره دارای دو ساختار متضاد است: تصویر درون قاب مربوط به منظومه شبانه و صحنه اطراف که مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است. بر اساس روش ژیلبر دوران امکان ندارد که اثری دارای دو ساختار باشد ولی قاب اطراف تصویر درویش، این دو بخش را کاملاً از هم جدا کرده است و می توان این دو اثر را دو نگاره جدا از هم دانست، که دو عکس العمل تخیل انسان را نشان می دهد: ترس از گذر زمان و غلبه بر این ترس و کنترل آن.

### ۵-۴- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره شیخی با ردای قهوه ای (تصویر ۴)

این نگاره پیرمردی تنها در طبیعت را نشان می دهد که از خصوصیت آثار رضا در دوره دوم زندگی اوست. ابرهای شعله سان، گیاهان نوک تیز و رنگ گرم زمینه، مجموعه عناصری هستند که تصاویر کائوتیک را بوجود می آورند. رنگ گرم زمینه، گرمای شدیدی را القاء می کند و جوی خفقان آور را بوجود آورده است. انبوه گیاهان با آن حالت نوک تیز، باعث ایجاد ترس و اضطراب می شوند. از منظر ژیلبر دوران گیاه، چرخه و سیکل زندگی را نشان می دهد و در تخیل نقاش نیز، این گیاهان هستند

که با حالت موحش خود، ترس از گذر زمان را نشان می دهند. ابرهای شعله سان که بسیار نزدیک به شیخ ترسیم شده است، در کنار چهره مضطرب پیرمرد، جوی سنگین و حالتی تشویش بار را پدید آورده است. حضور تصاویر کائوتیک، اضطراب درون نقاش را نشان می دهند و به نظر می رسد که در تخیل نقاش بطور ناخودآگاه، پیری و تنهایی به عنوان بخش هولناک زندگی انسان به تصویر کشیده شده است. تمام این عناصر این نگاره را جزء منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی قرار می دهد.

#### ۵-۵- تحلیل منظومه روزانه ژیلبر دوران در نگاره اژدها شدن عصای موسی (تصویر ۵)

در این نگاره رضا عباسی، داستان حضرت موسی را به تصویر درآورده است. در این نگاره ما شاهد نمادهای منفی و مثبت منظومه روزانه تخیلات هستیم که به شرح زیر می باشد:

##### نمادهای منفی:

نماد ریخت حیوانی: اژدها

نماد تاریکی: اژدها در پیوند با تاریکی و ترس است

نماد ریخت سقوطی: افتادن مرد در زیر پای اژدها

##### نمادهای مثبت:

نماد تماشایی: هاله نور اطراف سر حضرت موسی

نماد عروج و تعالی: حضرت موسی

نماد جداکننده: عصای موسی

تقابلهای موجود در تابلو: اهریمنی و الهی - فرعون و موسی



تصویر ۵- اژدها شدن عصای موسی، رضا عباسی،  
(جوانی، ۱۳۸۵: ۲۷۰)



تصویر ۴- شیخی با ردای قهوه ای، رضا عباسی،  
حدود ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۸ ه.ق (کنبی، ۱۳۸۹: ۷۹)

در این نگاره، نمادهای مثبت عملی جبرانی در برابر نمادهای منفی است و به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. از خصوصیات منظومه روزانه تخیلات این است که قهرمان برای غلبه بر رقیب از همان سلاح قطب مخالف استفاده می کند، تا بر او غالب شود. حضرت موسی در برابر سحر فرعونیان که بندها را تبدیل به مار کردند، عصای خود را به صورت اژدها در می آورد و جدایی بین دو قطب بدی و خوبی بوسیله عصا انجام می گیرد. در واقع عصا حرف آخر را می زند و با از بین بردن سحر فرعونیان خوبی بر بدی غلبه پیدا می کند. بین دو قطب اصلی تخیل در این نگاره رابطه ای تقابلی وجود دارد به نوعی که نمی توان بین دو قطب تعامل برقرار کرد. تفکر نقاش در این نگاره، نوعی تفکر دو قطبی است و با غلبه نمادهای مثبت، این نگاره، جز منظومه روزانه تخیلات با ارزشگذاری مثبت قرار می گیرد.





جدول ۱: منظومه شبانه

نمادها		نام اثر
گل: چرخه و سیکل زندگی 	کوزه: نماد خلوتگاه درونی 	نگاره درویش سربرهنه (تصویر ۳)




(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۲- منظومه روزانه با ارزش‌گذاری مثبت

نمادها		نام اثر	
نماد عروج: پیکره 	نماد جداکننده: تسبیح نماد تماشایی: نور اطراف انگشتان 	نگاره پیکره تسبیح به دست (تصویر ۲)	
<b>نمادهای منفی: نماد تاریکی: اژدها در پیوند با تاریکی و ترس است</b>			
نماد ریخت سقوطی: افتادن مرد در زیر پای اژدها 	نماد ریخت حیوانی: اژدها 	نگاره اژدها شدن عصای موسی (تصویر ۵)	
<b>نمادهای مثبت:</b>			
نماد عروج و تعالی: حضرت موسی 	نماد جداکننده: عصای موسی نماد تماشایی: هاله نور اطراف سر حضرت موسی 		

(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۳- منظومه روزانه با ارزش گذاری منفی

نمادها		نام اثر
نماد ریخت سقوطی: مرد در حال سقوط	نماد ریخت حیوانی: خرس	نگاره حمله خرس به مرد (تصویر ۱)
		
نماد ریخت حیوانی:		نگاره درویش سر برهنه (تصویر ۳)
		
تصاویر کائوتیک: ابرهای شعله سان، گیاهان نوک تیز و رنگ گرم زمینه		نگاره شیخی با ردای قهوه ای (تصویر ۴)

(ماخذ: نگارندگان)

## ۶- نتیجه گیری

ژیلبر دوران، نمادهای تخیل را به دو منظومه روزانه و شبانه تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد که این نمادها ترس از زمان و مرگ و تلاش برای غلبه بر این ترس‌ها را نشان می‌دهند و بر اساس همین دو منظومه، طبقه بندی خود از تخیلات را ارائه می‌دهد. او معتقد است که زمان خود را به وسیله ی تصاویر نمایان می‌سازد یعنی اینکه تصاویر نشان دهنده ی ترس از زمانند چرا که بر اساس نظریه ی ژیلبر دوران، پشت هر ترسی، «ترس از مرگ» وجود دارد و پشت هر مرگی ترس از زمان. در این مقاله ۵ اثر از رضا عباسی بر اساس روش ژیلبر دوران، مورد بررسی قرار گرفت. در این ۵ اثر، نگاره درویش سر برهنه به دو بخش مجزا تقسیم شد که بخشی مربوط به منظومه شبانه و بخشی مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است و ۲ اثر مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی و ۲ اثر مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری مثبت است. که در جدول ۱، ۲ و ۳ طبقه بندی شده اند.

در بخشی از اثر درویش سر برهنه که مربوط به منظومه شبانه تخیلات است، پیوند با دنیا و آرامش که از ویژگی منظومه شبانه تخیلات است را می‌توان دید. در این اثر نمادهای منظومه شبانه (نماد خلوتگاه درونی و نماد چرخه زندگی) نشان دهنده تلاشی است ناخودآگاه، برای فراموش کردن گذر زمان و کنترل آن با پناه بردن به دنیایی آرام و راحت. آثاری که مربوط به منظومه روزانه با ارزشگذاری منفی است، بیان کننده ترس و اضطراب نقاش هستند. ترس از گذر زمان و مرگ باعث ایجاد یک سری تصاویر وحشت آور (نمادهای منفی) در تخیل و ذهن انسان می‌شود، حضور این تصاویر در ناخودآگاه فرد، خود را با نمادهای منفی نشان می‌دهد و بیان کننده یک دغدغه ذهنی حاصل تغییر و تحولاتی در درون فرد یا افکار سرکوب شده در ضمیر ناخودآگاه اوست. در این ۵ اثر، شاهد ۲ اثر از منظومه روزانه با ارزشگذاری مثبت هستیم. درنگاره اژدها شدن عصای موسی هر دو گروه از نمادهای منفی و مثبت به چشم می‌خورد. نمادهای منفی، هراس از مرگ و گذر زمان را نشان می‌دهند. در واقع به تصویر درآوردن مرگ، تلاشی برای درمان این ترس است و نمادهای مثبت، راه حلی است که تخیل برای تسلط بر این ترس پیدا می‌کند. در نگاره پیکره تسبیح به دست، نمادهای مثبت، میل به بالا رفتن و گذر از شرایط انسانی را به تصویر

می کشند. حضور این نمادها در ناخودآگاه فرد، به نوعی تلاش برای غلبه بر ترس از زمان و مرگ می باشد. بررسی انجام شده نشانگر آن است که، این آثار در طبقه بندی های صورت گرفته در نظریه دوران جای می گیرند و ترس از زمان و مرگ و تلاش برای تسلط بر این ترس در این آثار دیده می شود. بنابراین تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی امکان پذیر است.

### پی نوشت‌ها:

- ۱- واسطه ای است بین محرکه‌های درونی و تصاویر به دست آمده از محیطی که آن را ادراک می‌کنیم.
- ۲- طبق نظر ژیلبر دوران، شکل عقلی شده تصویر حیوانی است.
- ۳- از اسم اورانوس گرفته شده است و نماد و تجلی آسمان در اسطوره شناسی یونان است.

### منابع

- ۱- تهرانی، رضا (۱۳۸۸) بررسی ترکیب بندی در آثار پیکرنگاری رضا عباسی و دو نقاش قاجاری، مهرعلی و میرزابابا، شماره: ۱۰، ۵۲-۶۳
- ۲- جوانی، اصغر (۱۳۸۵). دوران شناسی آثار طراحی و نقاشی رضا عباسی (مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان)، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۳- دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲). علوم انسانی: گستره شناخت ها، مترجم: مرتضی کتبی، نشرنی، تهران.
- ۴- رستم زاده، مریم. شیرازی، علی اصغر (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آثار رضا عباسی با تاکید بر منابع عصر او، کتاب ماه هنر، شماره: ۷۶، ۱۵۴-۸۰
- ۵- شریعتی، سارا (۱۳۸۴). جامعه- انسان شناسی تخیل، فصلنامه خیال، فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران، شماره: ۱۷، ۹۷-۸۸
- ۶- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۲). رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی، هنرهای تجسمی (هنر و معماری)، شماره: ۲۰، ۷۰-۸۱
- ۷- عباسی، علی (۱۳۹۰). ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۸- عباسی، علی (۱۳۸۴) طبقه‌بندی و کاربرد عنصر تخیل بر سه تابلوی مجید مهرگان، رویکرد ژیلبر دوران، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی «تخیل هنری»، دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۹- عباسی، علی (۱۳۸۷) کارکرد تخیل نزد محمود فرشچیان. مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی «تخیل هنری»، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۱۰- عباسی، علی. شاکری، عبدالرسول (۱۳۸۷). ترس از «زمان» نزد شخصیت های روایتی محمود دولت آبادی (مورد مطالعه: جای خالی سلوچ)، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره: ۵۷، ۲۱۷-۲۳۴
- ۱۱- عباسی، علی (۱۳۸۰). طبقه بندی تخیلات ادبی بر اساس نقد ادبی جدید (روش ژیلبر دوران و گاستون باشلار)، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره: ۲۹، ۱-۲۴
- ۱۲- عباسی، علی (۱۳۸۳). ترس از زمان نزد ویکتور هوگو، مجله شناخت، دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره: ۴۳ و ۴۴، ۹۳-۱۰۴
- ۱۳- عباسی، علی و محسنا، حنا (۱۳۹۱). ترس از زمان نزد کلت، پژوهش های ادب و زبان فرانسه، شماره: ۱، ۱-۱۴
- ۱۴- عباسی، علی (۱۳۸۰). ترس از زمان نزد آلبرت کامو، مجله مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره: ۱، ۲۲-۲۲

- ۱۵- فاضل، سیده آیین. چیت سزایان، امیرحسین (۱۳۹۱). رویکرد جامعه شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک نگاره ها)، نگره، شماره: ۲۴، ۳۶- ۵۰
- ۱۶- قائمیان، پگاه (۱۳۸۵). گزارش سخنرانی دکتر عباسی در نشست بررسی تخیل هنری از منظر ژیلبر دوران، خبرنامه فرهنگستان هنر، شماره: ۹، ۸-۴۶
- ۱۷- کنبی، شیلا (۱۳۸۹). رضا عباسی اصلاح گر سرکش، مترجم: یعقوب آژند، انتشارات متن، تهران.
- ۱۸- معمارزاده، محمد (۱۳۷۵). رضا عباسی و رامبراند: دیدگاه ها و مقایسه آثار، جلوه هنر، شماره ۶ و ۷، ۱۴-۱۷- ۱۸
- ۱۹- ولش، انتونی (۱۳۸۵). شاه عباس و هنرهای اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- 20- Durand, Gilbert (1992). Les structures anthropologiques de l'imaginaire, Introduction à l'archétypologie générale. Paris: Dunod.

### منابع تصاویر

- ۱- جوانی، اصغر (۱۳۸۵). بنیان‌های مکتب اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ۲- کنبی، شیلا (۱۳۸۹). رضا عباسی اصلاح گر سرکش، مترجم: یعقوب آژند، انتشارات متن، تهران

